

یادداشت

لزوم نظارت دستگاه قضایی و تقنینی بر عملکرد کانون‌های وکلا

کانون‌های وکلای دادگستری معتقدند به‌موجب قانون مصوب سال۱۳۳۲ مستقل بوده و نباید تحت نظارت قضایی یا اجرایی قرار داشته باشند و هرگونه نظارتی بر آنها موجب خدشه به این استقلال است. اما سوال اینجاست که مراد از استقلال چیست و حدود این استقلال چقدر

است؟ کانون‌های وکلای دادگستری به‌موجب لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، «موسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود؛ بنابراین کانون وکلایک دستگاه دولتی، قضایی و تقنینی نیست و موسسه‌ای غیردولتی محسوب می‌شود

که یک امر حکومتی جهت بررسی صلاحیت متقاضیان وکالت و صدور پروانه به آنها و گذار شده است. فلسفه استقلال کانون وکلا این است که وکلای بدون تاثیر و تاثر از دستگاه‌های حکومتی بتوانند به دفاع از حقوق مردم پرداخته و به‌خصوص در مواردی که یک طرف از اصحاب دعوا وابسته به قدرت است، با آزادی عمل بیشتری به دفاع از موکل بپردازند. بر همین اساس نیز در قانون تاکید شده «وکلا در مقام دفاع، از تأمینات شغل قضا برخوردارند. اما تاکید زیاد وکلا بر استقلال در شرایطی است که این استقلال در مقام دفاع از حقوق اصحاب دعوا، شاکی و مشککی عنه یا خواهان و خواننده است و نمی‌تواند راجع به تصمیماتی باشد که مدیران در این نهادها در تضاد با فلسفه ایجاد آن می‌گیرند. براساس ماده ۶ لایحه قانونی استقلال، چند وظیفه مهم برای کانون‌های وکلای دیده شده که عبارت است از: «الف- دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند. ب- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان، ج- رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری به‌وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا، د- معاضدت قضایی و هـ- فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و

عملی وکلا. «حال سوال اینجاست که اگر کانون‌های وکلا در انجام این وظایف تخطی کردند، چه کسی باید بر آنها نظارت کند و تکلیف مطالبه اجرای این وظیفه از سوی چه نهادی باید صورت گیرد؟ براساس لایحه قانونی استقلال، دو نوع نظارت بر کار وکلا دیده شده است؛ اول قضات دادگاه‌ها و دادستان‌ها درصورت برخورد با هرگونه تخلف از سوی وکلای می‌توانند موضوع را به دادسرای کانون گزارش کرده و دادسرا نیز به‌موضوع رسیدگی کند؛ اما نظارت دوم، توسط دادستان کل کشور اعمال خواهد شد. براساس ماده ۲۱ لایحه استقلال، هرگاه رئیس قوه قضائیه تخلفی مشاهده کند، می‌تواند موضوع را جهت تحقیق به دادستان کل ارجاع دهد و دادستان هم درصورت احراز تخلف، موضوع را به دادگاه انتظامی وکلا ارسال می‌کند. علاوه‌بر

این، نظارت قضایی براساس اصل هفتادوششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.» بنابراین مجلس شورای اسلامی هم می‌تواند از این طریق به‌موضوع وارد شده و بر کار این کانون‌ها نظارت کند. همچنین مجلس شـورای اسلامی از طریق وضع قوانین، حق ورود به نحوه فعالیت کانون‌های وکلا را دارد و از این طریق هم می‌تواند به فعالیت آنها نظامنق و تسق دهد. کانون‌های وکلا به‌واسطه ایجاد انحصار در صدور پروانه وکالت، اخذ وجوه بی حساب و کتاب و از وکلا، انجام برخی هزینه‌های غیرضرور، دریافت هزینه‌ی غیرقانونی بابت نقل و انتقال وکلا و موارد دیگر، همواره در مظان اتهام بوده و به‌جهت «تعراض منافع» نباید به نظارت بالا به پایین درآند. نکته قابل توجه این است که به دلیل فقدان مقرره قانونی، تصمیمات هیات‌مدیره‌های کانون وکلا در دیوان عدالت اداری قابل شکایت نیست؛ زیرا براساس قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تنها شکایت از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌هایی در دیوان قابل طرح است که وابسته به دولت باشند یا از بودجه عمومی استفاده کنند یا جزء فهرست نهادهای عمومی غیردولتی باشند که کانون وکلا در زمره هیچ کدام از این موارد نیست. دادسرا و دادگاه انتظامی وکلای نیز به دلیل تعارض منافع و انتصاب از سوی

مدیره کانون، صلاحیت و توان رسیدگی به این شکایات را ندارند. شاید تنها مرجع اعتراض به تصمیمات هیات‌مدیره، دادگاه عمومی و از جهت مرجع عام تظلم خواهی باشد که از این منظر هم شاید اirdاتی قابل تصور باشد. پس چه کسی باید بر این گونه فعالیت‌ها نظارت کند؟ نظارت بر فعالیت کانون وکلا و وظایف قانونی آنها یک ضرورت است و منافاتی با استقلال آنها نیز ندارد؛ کم‌اینکه اگرچه قوای سه‌گانه کشور از هم مستقل هستند اما براساس ترتیبیاتی که در قانون اساسی دیده شده، هریک از قوا به‌نحوی بر قوای دیگر نظارت داشته و این نظارت مانع استقلال آنها نیست. حال درخصوص کانون وکلا که یک نهاد سنفی و غیرحکومتی است، چرا نظارت به معنای مخدوش شدن استقلال تلقی می‌شود، محل بحث است.

درنگ

آنچه در قسمت ششم «رادیکال سه» گذشت

میراث فکری بازرگان برای مجاهدین خلق چه بود؟

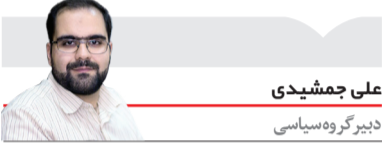
ششمین قسمت از فصل جدید برنامه دانشجویی «رادیکال سه» با محوریت بررسی ابعاد فکری مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و با حضور علی عبیدی، کارشناس علوم سیاسی و علی ملاقلی‌پور، کارگردان مستند «راه طی شده» که با محوریت زندگی بازرگان ساخته شده روی آنتن شبکه سوم سیما رفت. در این برنامه علی عبیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر گفت: «یکی از اختلافات میان مهندس بازرگان با امام راحل، درباره اولین رفتارندوم جمهوری اسلامی بود که بین ایشان با امام (ره) بر سر این‌بکه «جمهوری اسلامی»، «جمهوری دموکراتیک» یا «جمهوری مـوکراتیک اسلامی» باشد، اختلاف نظر وجود داشت. اختلاف بعدی در ماجرای خبرگان قانون اساسی و اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی بود و مساله کردستان هم یکی دیگر از موارد اختلاف بود که دولت موقت با تشکیل هیات حسن نیت بیشتر به‌دنبال دادن امتیاز به جریان ضدانقلاب بود. «مجری برنامه درباره این موضوع پرسید که این اختلاف‌ها موجب استعفاي مرحوم بازرگان شد یا تسخیر لانه جاسوسی، که عبیدی به این سوال این گونه پاسخ داد: «آن طور که مرحوم بازرگان در کتاب «انقلاب در دو حرکت» نوشته‌اند، شب قبل از تسخیر لانه جاسوسی او استعفايش را به حضرت امام (ره) تقدیم کرده بود و سه‌ماه قبل از آن تا پای استعفاي کل هیات دولت رفته بود که با تشر امام (ره) ماجرا منتفی شده بود، ولی اینچا چون استعفا با ماجرای سفارت مقارن شده بود، بسیاری تصور کردند دلیل استعفا، تسخیر سفارت آمریکا بوده است.» این پژوهشگر تاریخ معاصر در ارتباط با دلایل خوش‌بینی مرحوم بازرگان به آمریکایی‌ها با وجود اینکه او خود دوران کودتای ۲۸ مرداد و رفتار آمریکایی‌ها را با دولت مصدق دیده بود نیز این گونه توضیح داد: «مگر ما تجربه سعدآباد را در دوران پس از انقلاب نداشتیم، پس چرا دوباره برجام اتفاق افتاد؟ و مگر هنوز بعد از اتفاقات پیش‌آمده برای برجام، این کشش به آمریکا دیده نمی‌شود؟ این نگاه متأسفانه هنوز هم وجود دارد.» وی همچنین درباره ارتباط مرحوم بازرگان با سازمان مجاهدین خلق نیز گفت: «آن روحیه نفی اسلام فقهاتی که در جریان نهضت آزادی وجود داشت در کنار مینا قرار دادن علم به‌جای دین برای مبارزه، میراثی بود که از جریان فکری مهندس بازرگان به سازمان مجاهدین خلق رسید.»

همچنین علی ملاقلی‌پور، کارگردان مستند «راه طی شده» با محوریت اندیشه بازرگان در سخنانی در ارتباط با نسبت بازرگان با سازمان مجاهدین خلق اظهار کرد: «وقتی خود اعضای نهضت آزادی می‌گویند ما در زندان سال ۴۳ از زبان مهندس بازرگان شنیدیم که به محمد حنیف‌نژاد گفت وقتی از زندان آزاد شـدی، به‌سرآغ مبارزه مسلحانه برو؛ پس نهضت آزادی درواقع دو مـشی دارد؛ جوانان خودشان را به‌سرآغ مـشی مسلحانه و نیروی مسن‌تر را به‌سرآغ مبارزه سیاسی و حقوق بشری فرستادند.»

سیاست

«فرهیختگان» لزوم تداوم اقدامات ایران در مسیر کاهش تعهدات هسته‌ای را بررسی کرد

چرا باید گام چهارم قوی باشد؟



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

در آستانه نیمه آبان ماه موعـد گام چهارم ایران در مسیر کاهش تعهدات هسته‌ای، همچنان چالش‌های ایران با غرب روبه‌افزایش است و در مقابل گفت‌وگوهایی که میان ایران و اروپا شکل گرفته بوده به نتیجه‌دلخواهی برای طرفین نرسیده و در ایران حتی آنهایی که امیدهای بیشتری به اروپایی‌ها و همکاری احتمالی آنها داشتند، امروز سآکت‌تر از گذشته کناری نشسته‌اند و نظاره‌گر میدان هستند. در این میان چند نکته کلیدی وجود دارد که این روزها بیشتر از هر زمان دیگری باید به آنها توجه کرد.

اقدام راهبردی در مقابل صبر راهبردی

باید دوباره به این سوال پاسخ داد که ایران چرا و با چه هدفی در این مسیر گام گذاشت؟ مواجهه با برجام و عقیم‌گردان آن، هرچند با دیدگاه اصلی حاکم‌بر دستگاه سیاست خارجی دولت دوازدهم در تعارض باشد، اما امروز عملیاتی شده و از آنجایی که دقیقاً متفاوت از آن مسیری است که در این ۶ سال از سوی دولت حسن روحانی در پیش گرفته شده، دارای ماهیت و هدفی مهم و استراتژیک است. بی‌نتیجه بودن تعامل گسترده با غرب، چه آمریکا و چه کشورهای اروپایی که برجام نمونه تکامل یافته و حد اکثری آن است، کلیت کشور چه حاکمیت و چه افکار عمومی را به‌جایی رساند که از مسیر رفته هرچند با سرعت بسیار کم، برگشته و از سطوح همکاری در توافق کاسته شود. علاوه‌بر این‌بکه این تصمیم هسته‌ای، چندی بعد با اقدامات مقابله‌ای دیگری مانند برخی تصمیمات اقتصادی و امنیتی نیز همراه شد. اولین هدف در این مسیر (البته از دید یک خبرنگار سیاسی) هزینه‌مند کردن ایجاد توسعه‌فشارهای سیاسی- اقتصادی و حتی امنیتی علیه ایران در جریان خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و افزایش تحریم‌ها بود که

شاید بتوان گفت درصورت فرض این هدف به‌عنوان علت اصلی اقدام، تا حدود قابل توجهی این هدف محقق شده است، به این معنا که گام‌های آمریکا برای فشار به ایران که هرروز با اقداماتی مانند فشار به طرف‌های معامله با تهران برای به صفر رساندن فروش نفت، ممانعت از حمل‌ونقل دریایی از مسیر ناامنی کشتیرانی برای ایران، ایجاد اتحاد اقتصادی علیه‌تهران میان کشورهای منطقه، ایجاد ائتلاف نظامی در خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن و حرکت در هرگونه مسیری که به فشار حداکثری کمک می‌کرد، انجام می‌شد امروز با سرعت و تاثیر بسیار کمتری همراه شده و گسترش اتحاد علیه ایران نیز با هزینه سنگینی برای هر کشور یا دولتی همراه شده است. از این رو تداوم حرکت ایران در این مسیر به‌ویژه در مقطع چهارم، اساسی و حتی حیاتی خواهد بود. دومین هدف از این مجموعه اقدام، پر کردن خلأ اصلی شکل گرفته در برجام بود. از آنجایی که برجام یک برگ راهبردی برای موازنه قوای ایران با قدرت دشمن در منطقه را از روی میز خارج کرد، لازم بود تا هرچه سریع‌تر هم با هدف افزایش بازآزندگی و هم گسترش لوازم چانه‌زنی، برگ هسته‌ای دوباره روی میز قرار گیرد. در این مسیر به‌علت محافظه کاری جدی دولت دوازدهم و برخی مصلحت‌اندیشی‌ها، به‌جز گام اول، گام‌های بعدی بسیار محتاطانه و حداقلی برداشته‌شد، لذا نمی‌توان گفت که تا این لحظه مسیر قابل توجهی از رسیدن به هدف طی شده است. بنابراین باید گفت برای نزدیک شدن به این هدف برداشته‌شدن یک گام جدی و بلند در مقطع چهارم بیش از گذشته مهم و حساس است. سومین که شاید هدف کوتاه‌مدت و حتی احتمالی در این مسیر بود، وادار کردن اروپایی‌ها به انجام تعهدات‌شان در برجام نسبت به ایران بود. در این خصوص هم به‌جز تداوم باطرأحی را کنتر اراک از سوی انگلیس و چین که به‌گفته برخی مقامات تا حدود قابل قبولی ادامه دارد، در انجام دیگر تعهدات اروپایی‌ها که مسائل اقتصادی مجوز آنهاست، همچنان که از سوی بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی می‌شد حداقلی‌ترین

شنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۸ | شماره ۲۸۹۶



ایالات متحده کم‌احتمال‌ترین گزینه است، قطعاً گزاره‌ای اشتباه است. این البته صرف‌نظر از این است که اساساً دموکرات‌ها هیچ‌گاه برای ایران بهتر از جمهوری خواهان نبوده‌اند و حتی اصلی‌ترین فشارها و تحریم‌ها در دوره حاکمیت دموکرات‌ها بر کاخ سفید ایجاد شده است. در استدلالی کلان‌تر اما باید گفت گره زدن سرنوشت و تصمیمات راهبردی کشور به وقایع درونی یک کشور خارجی از هر منطـق و عقلانیتی به‌دور است و با تدبیر هیچ میانه‌ای ندارد.

مثال دیگر اما امید بستن به یک گزاره ضعیف‌تر و پیش‌پاافتاده‌تر است. اینکه عده‌ای گمان کنند ترامپ به‌زودی استیضاح خواهد شد و دور نشدن ایران از برجام می‌تواند پایه‌ای برای جلب اعتماد جایگزین رئیس‌جمهور معزول ایالات متحده باشد از آن دست ایده‌هایی است که بیشتر به‌طنزی ماندو گویای این است که یک‌تفکر چقدر می‌تواند سطحی و مقطعی باشد.

گام قوی یا ضعیف

با چه اقداماتی تحقق می‌یابد؟

درمورد اقدامات احتمالی ایران در گام چهارم دو اظهارنظر رسمی وجود دارد که می‌توان به آنها تکیه کرد. اولی مربوط به رئیس سازمان انرژی اتمی است و دومی مربوط به اظهارات رئیس‌جمهور. علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی در حاشیه حضور در کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی از رونمایی زنجیره ۳۰ تایی سانتریفیو 6-IR گفت و اضافه کرد تا پیش از برداشتن گام چهارم ۳۵۰۰ سو به ظرفیت ۵۶۰۰ سوپی کنونی صنعت هسته‌ای کشور اضافه می‌شود. صالحی البته این راه هم گفت که «ایران قبل از برجام ۲۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده داشت که در حال حاضر این میزان به ۱۷۰۰ کیلوگرم رسیده است.» علاوه‌بر این، رئیس‌جمهور در نشست خبری اخیر خود با خبرنگاران گفت: «به‌زودی سانتریفیوهای 7-IR و 9-IR رونمایی و راه‌اندازی می‌شوند.» درباره این دو اظهارنظر اگر بخواهیم قدری واقعی صحبت کنیم باید بگوییم که این مجموعه اقداماتی که از جانب مسئولان رسمی دولت بیان شده، تفاتی با گام سوم یا حتی گام دوم که گفته‌شد گام‌هایی نه‌چندان قوی بودند، ندارد و درواقع شامل حرکت‌هایی اساسی نیست.

«فرهیختگان» پیش از این در ارائه یک طرح کلی و عملی پیش‌بینی‌های خود مبتنی بر هدف‌هایی را که در ابتدای متن آمد مطرح کرده و گفته بود در هر گام ایران می‌تواند چه اقدامات مهم و تاثیر گذاری داشته باشد. گفته بودیم برای گام سوم راه‌اندازی ۱۹ هزار سانتریفیو ۳ از سرگیری غنی‌سازی ۲۰ درصد می‌تواند گزینه‌های مناسبی باشد که بخ هیچ کدام از سوی دولت انجام نشد. از این رو باید گفت دم‌دستی‌ترین اقداماتی می‌تواند این دو اقدام باشد. علاوه‌بر این، ایران یک گزینه مهم و اساسی نیز در پیش دارد و آن چیزی نیست جز راه‌اندازی مجدد سایت فردو به‌عنوان یک مجموعه غنی‌سازی. ایران می‌تواند برای گام چهارم، یک اقدام مهم انجام دهد و فردو را به کارکرد اصلی خود برگرداند و علاوه‌بر این به‌طور جدی به نقطه بازآزندگی نیز نزدیک شود. البته گزینه‌های دیگری مانند کاهش تعهدات در فرآیند نظارتی آژانس با ایران هم وجود دارد که چون انجام آنها در این برهه از سوی دولت بسیار بعید است، احتمالاً به گام‌های بعدی موکل خواهد شد.

گفت و گو

سفیر اسبق ایران در نروژ:

تهدید اروپا برای خروج از برجام عملیاتی نیست



ترامپ از برجام خارج شد و حتی رسانه‌های اروپایی می‌گویند اروپا توان اجرایی کردن تعهدات خود را ندارد.»

فرجی‌راد درخصوص تاثیر گام‌های هسته‌ای ایران در محاسبات طرف اروپایی خاطرنشان کرد: «طرف مقابل این گام‌ها را جدی گرفته و اروپایی‌ها حتی تهدید کرده‌اند به شرایط قبل از برجام –راجحی پرونده ایران به شورای امنیت- باز می‌گردیم.» سفیر اسبق ایران در نروژ تصریح کرد: «عملی کردن این تهدیدات خیلی آسان نیست و در شرایط منطقه‌ای فعلی و بحران‌های مختلف که در منطقه وجود دارد، اروپایی‌ها به مصلحت نمی‌دانند مساله را حاد کنند.» وی افزود: «اساساً اگر آنها وارد یک معامله با ایران شدند دلیل این موضوع بیش از هر چیز بحران‌هایی بود که در منطقه وجود داشت و آنها بیشتر نگران این بودند که نوعی درگیری در منطقه رقم بخورد. لذا به‌نظر نمی‌رسد اراده‌ای برای حرکت به سمت عملی کردن این تهدیدها از جمله خروج از برجام در اروپا وجود داشته باشد؛ حتی اگر ایران گام چهارم را بردارد.» فرجی‌راد اضافه کرد: «ایران در این مسیر به‌صورت تدریجی تعهدات خود را کم می‌کند و با رسیدن به نقطه صفر چندماهی فاصله داریم.»

این دیپلمات سابق کشورمان خاطرنشان کرد: «خروج اروپا از برجام صرفاً یک احتمال بود و وقتی آقای جانسون قدرت گرفت مطرح شد ولی بعد انگلیسی‌ها جانسون را توجیه کردند و او از این موضع عقب‌نشینی کرد و مواضع مشابه مقامات دیگر اروپایی نیز اصلاح شد. لذا ممکن است